

گفت‌وگو با افسانه بایگان، به بهانه نمایش عمومی فیلم «**خبر خاصی نیست**» و «**پنجاه کیلو آلبالو**»

واقعا خبری نیست!

کیانآ آذر



عکس: مریم بهمن‌نشین

بنابراین مدام غم می‌زند و ایراد می‌گیرد و درنهایت فرافکنی می‌کند، به جای اینکه خود را مقصر بداند. ولی باین‌حال خوش‌قلب هم هست. درحقیقت فیلم برشی از لحظات دو خانواده است که درگیر مسائل پیش‌پاافتاده هستند.

۴ موقعیت‌های داستان خیلی پیش‌پاافتاده‌اند و درنهایت هم متوجه می‌شویم مضحک‌های بیشتر نبوده!

بله. کاملاً همین‌طور است. رفتار آنها مثل رفتار غالب جامعه امروزی است که دانما درگیر نفسانیات‌شان هستند. زمان گران‌بها را برای چیزهایی صرف می‌کنند که اصلاً عمیق نیستند و درنهایت به هیچ‌دردی هم نمی‌خورد. به‌عبارت دقیق‌تر، فیلم مجموعه‌ای از تضادها را به نمایش می‌گذارد که وقتی روی آن دقیق‌تر می‌شویم، متوجه می‌شویم هیچ‌کدام از آن مسائل آن‌قدر مهم نبودند که درگیرش شدند و درحقیقت باید گفت واقعا خبری نیست!

۴ به هر حال، مفهوم فیلم هجویه‌ای بیش نیست؟

بله، خب، چون این فیلم طنز موقعیت است.

۴ البته در فیلم «پنجاه کیلو آلبالو» داستان و موقعیت‌های فیلم کم‌دی می‌شود و اصلاً همه‌چیز کاملاً هجو شده.

بله. این فیلم هم که به‌نظم کار خوبی است، مسائل را از دریچه طنز می‌بیند. درواقع همه‌چیز هجو شده. اغراق موقعیت‌ها باعث می‌شود آن مسائلی را که گاهی جزئی و ریز به نظر می‌رسند بزرگ‌تر و به‌اصطلاح اکران‌دیسه ببینیم. آن وقت تازه متوجه می‌شویم واقعیت آن‌قدرها هم جدی نیست.

۴ در فیلم «خبر خاصی نیست» همراه‌بودن دو نسل از بازیگران سینمای ایران در کنار یکدیگر برایم جالب بود. تحلیل‌تان از این مسئله چیست؟

به‌نظم اتفاق می‌وم و مبارکی بود. واقعا بازیگران جوان تلاش

گفت‌وگو با پدram بلورچی، آهنگ‌ساز

نسل سردرگم

آمن خادمی

از آن کاسته‌شود. اگر سده‌ده اخیر را فقط مورد بررسی قرار دهیم، در ابتدای این سه دهه با حضور استادان فاخری چون استاد محمدرضا شجریان، پرویز مشکاتیان، محمدرضا لطفی، حسین علیزاده و ...، موسیقی ایرانی به تبلور و شکوفایی هرچه تمام و کمال‌تری رسیده است. بعد از آن دوره به سکوتی رسیده و در نسل امروزه دچار نوعی سردرگمی و فضایی مه‌آلود و تاریک شده است. نسل جوان هنرمند امروز نیازمند راهنمایی و نشست‌های بیشتری با بزرگان موسیقی است تا مجدداً روزنه‌هایی برای شکوفایی



افسانه بایگان برای نخستین‌بار در سال ۱۳۵۱ با فیلم کوتاه «یوق» فیلمی از «علی علیزاده» بازی جلو دوربین را تجربه کرد.

اما فعالیت جدی حرفه‌ای این بازیگر با مجموعه تلویزیونی «سربداران» به کارگردانی «محمدرعلی نجفی» شکل گرفت؛ سریالی که آن زمان با وجود جنگ تحمیلی، توانست جراح خانه‌های مردم را شب‌ها پرفروغ کند و از استقبال خوبی هم برخوردار شد. چهره خاص بایگان جوان در آن مجموعه، با اینکه پیش از آن شناخته نبود در ذهن مردم جای گرفت. همچنین بازی در سینما را از سال ۱۳۶۴ با فیلم «گمشده» به کارگردانی «مهدی صباغ‌زاده» آغاز کرد. رفته‌رفته افسانه بایگان به یکی از پرکارترین بازیگران زن سینمای ایران در دهه ۶۰ تبدیل شد و این حضور تا امروز ادامه پیدا کرد. ولی چند سالی است که چندان پرکار نیست. طبعاً پاسخ اولیه آن، نبود نقش‌های تأثیرگذار است! باین‌حال بایگان معتقد است در این مسیر سعی می‌کند فیلم‌نامه‌های بهتری را برای بازی انتخاب کند. ضمن اینکه او دستنی بر شعرسرای هم دارد. سال گذشته فیلم «خبر خاصی نیست» به کارگردانی مصطفی شایسته با بازی افسانه بایگان در سینماهای کشور اکران شد. همچنین فیلم «پنجاه کیلو آلبالو» به کارگردانی مانسی حقیقی در ایام نوروز به نمایش درآمد. به بهانه نمایش این دو فیلم با ستاره سینمای ایران و تلویزیون در دهه ۶۰ گفت‌وگو کرده‌ایم؛ ده‌های که سیاست‌گذاران سینما اعتقادی به بازیگرمحوری– بتوانید ستاره‌محوری– نداشتند. ده‌های که اغلب، اسامی کارگردان‌ها مشهورتر از بازیگران بود. ولی امروز، شبیه دیروز نیست و نگاه به حضور بازیگران در فیلم‌ها رنگ دیگری به خود گرفته؛ هرچند انتقادات صریحی هم به آن وارد است. فیلم «خبر خاصی نیست» قصه دو خواهر است که همراه با دختران تحصیل‌کرده و در شرف ازدواج خود زندگی آرامی را می‌گذرانند. اما برگزاری میهمانی خانوادگی و ورود اتفاقی مردی جوان و غریبه به عنوان میهمان ناخوانده، زندگی این دو خانواده را دستخوش جالش و بحرانی جدی می‌کند. در خلاصه داستان فیلم «پنجاه کیلو آلبالو» هم آمده که داستان از مجلس عروسی مرجان آغاز می‌شود. در میانه‌های عروسی مأموران برای دستگیری داماد خلاف‌کار وارد می‌شوند و میهمانان هم فرار می‌کنند. دراین‌میان ریختن آب آلبالو روی پیراهن داوود باعث آشنایی ناگهانی او و آیدا می‌شود و اتفاقات ناخواسته‌ای برای آنها می‌افتد. در ادامه گفت‌وگوی ما با افسانه بایگان پیش‌روی شماست:

۴ به‌نظر می‌رسد فیلم از نقطه نظر دادن اطلاعات به تماشاگر دیر شروع می‌شود. دست‌کم همه‌چیز در ۲۰ دقیقه اول فیلم، در حد دیالوگ است و کلاً تصویری از فضای داستان دیده نمی‌شود. تحلیل‌تان از این نکته چیست؟

بیشتر می‌توان گفت چنین نکته‌ای از سینمای وودی آلن می‌آید. آقای آلن اغلب در فیلم‌ها سعی می‌کند مستقیم روی شخصیت‌ها متمرکز شود. بنابراین به‌اصطلاح صحنه‌های معرف و توضیح‌دهنده و به‌طور کلی حشو و زوائد را حذف می‌کند تا بتواند به شخصیت‌ها نزدیک‌تر شود و عریان، احساسات آدم‌ها را به نمایش بگذارد.

۴ به‌نظر می‌رسد طبقه دو خانواده چندان مشخص نیست. در جاهایی از فیلم به‌نظر می‌رسد ریشه‌دار هستند و در جاهای دیگر هم قشری تازه به دوران رسیده هستند. درنهایت هم این‌طور جلوه می‌کند که فیلم فرهنگ طبقه متوسط را نشانه گرفته است. به‌نظر شما چرا این‌گونه است؟
فیلم داستان زندگی خانواده‌ای اصیلی را روایت می‌کند، نه لزوماً قشر متوسط امروزی. اتفاقاً این دو خواهر از قدیم زندگی خوب و خاصی داشتند. درواقع پدری پزشک داشتند منتها خلق‌وخوی هر دو خواهر با وجود اینکه در یک خانواده بزرگ شده‌اند، فرق می‌کند؛ چیزی که همه ما در جامعه خود چنین خصوصیتی را می‌بینیم. حتماً این تفاوت شخصیتی را در دوقلوها هم دیده‌اید. اما به‌نظم آن کسی که شخصیت چندان ریشه‌دار ندارد، پسر تازه‌وارد (امیرحسین آریان) است.

۴ باین‌حال شخصیت ناهید فراتر از طبقه‌اش، یز و افاده دارد. چرا؟

همه ما در فیلم سعی کردیم برای این شخصیت‌ها شناسنامه درست کنیم. نگاه من به ناهید این است که این خانم دراصل آدم بسیار پرتوقعی است و می‌خواهد صاحب همه‌چیز باشد و همه‌چیز را مال خود کند. اما متوجه نمی‌شود همه مشکلاتش ناشی از همین زیاده‌خواهی اوست.

پدرام بلورچی اسمال با گروه موسیقی مهربان در ایوان شمس روی صحنه رفت. او درباره خود این‌گونه می‌گوید:

موسیقی را از پنج‌سالگی با ساز تنبک شروع کردم و دراین دوران از محضر استادانی چون استاد بهمن رجبی و محمد طیبی‌جیلی بهره‌بردم و افتخار هفت‌سال شاگردی استاد جهانگیر ملک را داشتم و در این سال‌ها افتخار همکاری با استادان پیش‌کسوت موسیقی ایران‌زمین را نیز داشتم. تحصیلات تکمیلی بنده نیز در رشته نوازندگی ساز ایرانی است. فراگیری آواز را از سال ۱۳۷۶ نزد استاد محسن کرامتی آغاز کرده و همچنین از محضر استاد مهدی فلاح به‌هرای فراوان برده‌ام. در ۱۰ آلبوم موسیقی به‌عنوان نوازنده همکاری داشته‌ام. از سال ۱۳۸۱ سرپرست گروه موسیقی با نام «کله‌ا» بوده‌ام که اجراهای متعددی با هنرمندان بسیار خوب در خارج از کشور داشته‌ام. با پدرام بلورچی گفت‌وگویی کرده‌ایم که می‌خوانید.

۴ آهنگ‌سازی آلبوم مهربان چگونه انجام شد؟

تجربه آهنگ‌سازی آلبوم گروه مهربان که از ابتدای سال ۱۳۹۴ شروع به فعالیت کرده، حاصل تلاش چهارساله و مطالعه روی اشعار شعرای بزرگ ایران است. تولید قطعاتی کاملاً درونی و خودساخته‌ما به این امر واداشت تا آوازمن را با این قطعات همراه کنم. برای آهنگ‌سازی آلبوم مدت‌زمانی طولانی صرف تأمل در آن و حتی تناسب شعر و آهنگ کردم. کتاب‌های زیادی خواندم تا شعری برگزینم که با موسیقی درونم عجین شود. بالطبع، نتیجه آن، فضای موسیقایی کاملاً منطبق با حس‌و‌حال آوازی صدای خودم است.

۴ اینکه می‌گویند موسیقی ایرانی و به‌ویژه آواز در حال جان‌دادن است و هرکسی دارد تکه‌ای از آن را مصادره می‌کند یا به یغما می‌برد درست‌است؟ اگر درست است

هنر

گفت‌وگو با افسانه بایگان، به بهانه نمایش عمومی فیلم «**خبر خاصی نیست**» و «**پنجاه کیلو آلبالو**»

افسانه بایگان برای نخستین‌بار در سال ۱۳۵۱ با فیلم کوتاه «یوق» فیلمی از «علی علیزاده» بازی جلو دوربین را تجربه کرد.

اما فعالیت جدی حرفه‌ای این بازیگر با مجموعه تلویزیونی «سربداران» به کارگردانی «محمدرعلی نجفی» شکل گرفت؛ سریالی که آن زمان با وجود جنگ تحمیلی، توانست جراح خانه‌های مردم را شب‌ها پرفروغ کند و از استقبال خوبی هم برخوردار شد. چهره خاص بایگان جوان در آن مجموعه، با اینکه پیش از آن شناخته نبود در ذهن مردم جای گرفت. همچنین بازی در سینما را از سال ۱۳۶۴ با فیلم «گمشده» به کارگردانی «مهدی صباغ‌زاده» آغاز کرد. رفته‌رفته افسانه بایگان به یکی از پرکارترین بازیگران زن سینمای ایران در دهه ۶۰ تلویزیون و سینمای ایران، حضورتان همواره در یاد مانده است. مخصوصاً در سریال «سربداران» که با چهره خاص‌تان به ایفای نقش پرداختید. اما در این سال‌ها حضورتان کم‌رنگ شده. چرا؟

بیشتر منتقدان و روزنامه‌نگاران همین سؤال را از من می‌پرسند. خب، ما با آرمانی وارد دنیای تصویر شدیم. به قول آقای علی نصریان، واقعا خاک صحنه حرمت داشت و دارد. برای بازی‌کردن به هر فیلم‌نامه‌ای که پیشنهاد می‌شد، پاسخ مثبت نمی‌دادیم. واقعا روی نقش‌مان کار می‌کردیم. بازیگری را نمی‌توان با دیگر حرفه‌ها مقایسه کرد. من نیز مانند بسیاری دیگر از همکارانم، با پیشنهادهای بسیاری برای بازی مواجه می‌شوم، اما متأسفانه همواره نقش‌های پیشنهادی، انگیزه‌ای برای بازی در سینمای امروز برایم ایجاد نمی‌کند. به‌نظم عمق آثار کمتر شده. به‌جای نگاه عمیق هنرمندانه، حاشیه‌ها بیشتر شده. منظورم از عمیق همان نگاهی است که تولستوی دارد. وقتی که کارم را در «سربداران» شروع کردم، واقعا این سریال از نقطه‌نظر تربیتی هم برایم مهم بود. هم بازیگر و هم مخاطب، کلی نگاهش عوض می‌شد. ولی الان تقریباً از این چیزها خبری نیست؛ انکار شایعات، شهرت و پول اصل شده و مسائل عمیق فرعی شده‌اند. بنابراین در این مسیر پریچ‌وخم دست‌کم خودم سعی می‌کنم آرمان‌هایم را فراموش نکنم. بی‌تردید باید پذیرفت هر زمان، شرایط مناسب و ایده‌آلی برای بازیگر فراهم شود، پرکارتر می‌شود. چون همیشه برای من بازیگری حرمت داشته، دارد و خواهد داشت.

۴ اصلاً تحلیل‌تان از بازیگری و ورود بازیگران جوان در سال‌های اخیر چیست؟
سینمای ما متأسفانه در سالیان اخیر هم به‌لحاظ موضوعی و هم به‌لحاظ محتوا، به‌ورطه تکرار افتاده، البته من به‌هیچ‌وجه مخالف حضور بازیگران جوان در عرصه سینما نیستم، اما پذیرید این‌هجوم عجیب‌وغریبی که میان جوانان برای ورود به عرصه بازیگری به وجود آمده صرفاً به دلیل عشق به سینما نیست، به‌نظم بیشتر از بحرانی نشئت گرفته که متأسفانه گریبان‌گیر جامعه امروزی ما شده! طبعاً ۹۰ درصد جوانانی که امروزه بدون هیچ روند منطقی وارد سینما شده‌اند، بیشتر «بازیچه»‌اند تا «بازیگر». با این شرایط به من و برخی از همکارانم حق بدعید

که خودخواسته حاشیه‌نشین دنیای بازیگری شویم. **۴ باین‌حال حضورتان در فیلم‌هایی مثل «کافه ستاره» و «خبر خاصی نیست» چیست؟**
سینمای ما متأسفانه در سالیان اخیر هم به‌لحاظ موضوعی و هم به‌لحاظ محتوا، به‌ورطه تکرار افتاده، البته من به‌هیچ‌وجه مخالف حضور بازیگران جوان در عرصه سینما نیستم، اما پذیرید این‌هجوم عجیب‌وغریبی که میان جوانان برای ورود به عرصه بازیگری به وجود آمده صرفاً به دلیل عشق به سینما نیست، به‌نظم بیشتر از بحرانی نشئت گرفته که متأسفانه گریبان‌گیر جامعه امروزی ما شده! طبعاً ۹۰ درصد جوانانی که امروزه بدون هیچ روند منطقی وارد سینما شده‌اند، بیشتر «بازیچه»‌اند تا «بازیگر». با این شرایط به من و برخی از همکارانم حق بدعید

همیشه دوست دارم در فیلم‌هایی بازی کنم که با به تصویرکشیدن معضلات اجتماعی امکان ارتباط بیشتر با تماشاگران را داشته باشم. ضمن اینکه تلاش می‌کنم خودم را در یک چارچوب خاص محدود نکنم. حتی بارها اتفاق افتاده از بازی‌هایم راضی نبوده‌ام. به‌گونه‌ای‌که پس از تماشای فیلم یا سریالی که در آن بازی داشته‌ام، دلم می‌خواهد آن فیلم و مجموعه دوباره ساخته شود تا توانایی‌هایم را بهتر به نمایش بگذارم. من هنوز به انتظاری که از خودم در عرصه بازیگری دارم، نرسیده‌ام. گاه تصمیم می‌گیرم به کلاس بازیگری بروم و همه‌چیز را دوباره مرور کنم. این نکته را شاید بتوان به‌نوعی به «دانستن بیشتر» تفسیر کرد. شاید باور نکنید؛ اما من با وجود اینکه در فیلم‌های بسیاری بازی کرده‌ام، هنوز با دلشوره در آغاز هر بازی مواجه می‌شوم. مثلاً در «کافه ستاره» نیز همین دلشوره را داشتم؛ اما تمام تلاشم این بود که شخصیت را بفهمم و بعد درست بازی کنم. چه بخواهم و چه نخواهم، با نقش‌هایم زندگی می‌کنم.

۴ تصویر زن در سینمای ایران را چگونه می‌بینید؟

خب، طبعاً نگاهم به این مسئله آرمانی است. طبعاً دوست دارم شخصیت‌های پیچیده و عمیق برای زنان در سینما خلق شود. اما در کل تصویری که سینمای ما از زنان ارائه کرده، اغلب تخت و یک‌بعدی بوده، البته به استثناء کاری ندارم. فقط شمار اندکی از فیلم‌سازان نظیر داریوش مهرجویی، ناصر تقوایی، بهرام بیضایی و ورخان بنی‌اعتماد، نگاهی عمیق و ژرف، به شخصیت زن در آثارشان دارند.

۴ جدیدترین کارتان چیست؟

به‌تازگی در فیلم «نگار» به کارگردانی رامبد جوان کار کردم که به‌نظم کار خوب و قابل‌قبولی است.

و تبلور موسیقی نسل آینده ایجاد شود. این انتظاری است که از پیش‌کسوتان و بزرگان موسیقی ایران‌زمین می‌توان داشت. **۴ می‌گویند مردم دیگر حوصله شنیدن آواز ندارند و ذائقه تغییر کرده. چرا و چگونه این اتفاق افتاد و آیا راه برگشتی هست؟**
نظر به اینکه انتخاب نوع موسیقی امری کاملاً سلیقه‌ای است ولی این موضوع بیشتر وابسته به جنبه اجتماعی و فرهنگ عمومی جامعه است و بنا به‌حال و احوالات مردم در زندگی روزمره متغیر خواهد بود. از آنجا که موسیقی ایرانی موسیقی فاخری است و مانند دیگر عرصه‌های هنری اصیل ایرانی نیازمند تأمل و تفکر است شاید از حوصله افکار پردغدغه مردم امروز که درگیر مسائل اولیه معیشتی خود هستند، خارج باشد و زمانی را که نیازمند تأمل در آثار هنری است در اختیار نداشته باشد. آواز ایرانی که بخش بسیار مهمی از موسیقی اصیل ایران‌زمین و ساختار اصلی آن برپایه دستگاه‌ها و گوشه‌های مختلف است، شاید عموم مردم صبر و شکیبایی لازم جهت تأمل در آن را نداشته باشند. به‌هر صورت اجرای آواز دارای اصول و چارچوبی است که مشخص‌کننده آغاز و پایان آن در دستگاه موردنظر و مستلزم زمان کافی برای اجرای آن است. البته این نکته را باید در نظر داشت که نیاز مردم بیشتر به‌سوی ریتم‌ها و فضای موسیقی پرتحرک‌تری است تا بتوانند از نظر روحی و هیجانی با آن پیوند بگیرند و از حال و احوال پردغدغه و مشکلات روزمره خود جدا شوند. به‌این‌ترتیب ذائقه‌ها در مورد آواز تغییر کرده است. هنرمندان گرمی برای جذابیت بیشتر آواز برای شنوندگان، وظیفه بسیار مهمی را با انتخاب بجای اشعار و تناسب آن با دستگاه، برعهده دارند.

ادامه در صفحه ۱۴

سال سیزدهم • شماره ۲۵۴۸ روزنامه

ادامه از صفحه ۹

بن‌بست سیاسی لبنان بسیار جدی است

نکته دیگر حضور حزب‌الله در جنگ سوریه در خارج از لبنان است. در صورتی که حزب‌الله انتقاد نخست ما را به رسمیت بشناسد و در جهت اصلاح آن بکوشد مشکلی برای گفت‌وگو و بحث با آن گروه و حتی رقابت دموکراتیک با آن را نداریم. به‌عنوان نمایندگان جنبش تجسد دموکراتیک ما به‌طور مداوم در حال تماس با اعضا و رهبر حزب‌الله لبنان در دولت و پارلمان هستیم. **۴ نظر جنبش تجسد دموکراتیک درباره رژیم اسرائیل و منازعه فلسطینی– اسرائیلی چیست؟ آیا شما رژیم اسرائیل را دشمن لبنان می‌دانید؟**

جنبش تجسد دموکراتیک از حقوق مردم فلسطین حمایت و اسرائیل را موجودیتی مهاجم قلمداد می‌کند که نه تنها علیه مردم فلسطین بلکه علیه دولت‌های عربی است. لبنان از رژیم اسرائیل آسیب زیادی دیده است و مردم لبنان نیز در مقابل آن رژیم از سال ۱۹۸۲ میلادی تاکنون مقاومت و سرزمین‌های اشغال‌شده را آزاد کرده‌اند.

این آزدسازی‌ها تنها توسط حزب‌الله لبنان به دست نیامد بلکه مقاومت لبنانی طیف وسیع‌تری را دربر می‌گیرد، اما در این بین کمک حزب‌الله نیز مؤثر بود. در سال ۲۰۰۰ میلادی، رژیم اسرائیل از جنوب لبنان عقب‌نشینی کرد به‌جز یک منطقه کوچک که میان لبنان و سوریه مورد اختلاف باقی مانده است که مزارع شبعا خوانده می‌شوند.

۴ به‌نظرتان در آینده در رهبری حزب‌الله چه تغییری ایجاد خواهد شد؟ بحران سوریه چه تأثیری بر چشم‌انداز آن جنبش خواهد گذاشت؟

فکر می‌کنم که حزب‌الله در سوریه در این‌اواخر در موضع بهتری قرار گرفته است؛ چراکه مداخلات روسیه و حملات هوایی آن کشور در سوریه افزایش یافته و این موضوع مؤلفه‌ای اساسی برای تغییر معادلات در جنگ سوریه بوده است. ما نمی‌خواهیم هیچ لبنانی‌ای را به جنگ در داخل خاک سوریه یا هر کشوری دیگری بفرستیم.

۴ شما دانما می‌گویید حزب‌الله عامل دولت ایران در لبنان است. اگر منتقدان تان بگویند که تجدد، المستقبل و سایر گروه‌های ائتلاف ۱۴ مارس عوامل عربستان سعودی و آمریکا هستند، چه پاسخی دارید؟ آیا فکر نمی‌کنید حضور قدرت‌های خارجی در عرصه سیاست داخلی لبنان به قدری بالاست که در عمل استقلال سیاسی ناممکن شده است؟

ما هرگز از حزب‌الله به‌عنوان عامل ایران یاد نمی‌کنیم اگرچه بر این باوریم که ارتباطات اکرانیک قوی میان آن دو وجود دارد. رهبر حزب‌الله لبنان به‌طور علنی گفته است که اعضای آن گروه سربازان ولایت فقیه هستند. حزب‌الله لبنان بخشی از مردم لبنان است و وفاداری‌اش نیز باید به لبنانی‌ها و نه هیچ کشور خارجی دیگری باشد.

۴ آیا به‌نظرتان احتمال فروپاشی ائتلاف ۱۴ مارس وجود دارد؟ آیا فکر می‌کنید این ائتلاف کارت برنده‌ای برای موفقیت در منازعات سیاسی آینده در لبنان دارد؟

تجدد در زمره اصلی‌ترین بنیان‌گذاران ائتلاف ۱۴ مارس در سال ۲۰۰۵ میلادی بوده است.

به‌طور رسمی ما در سال ۲۰۰۹ این ائتلاف را ترک کردیم، چراکه از عملکرد آن ناراضی بودیم. ما هیچ ارتباط سیاسی و نهادی با ۱۴ مارس نداریم؛ اگرچه از نظر ارزش‌ها و اصول، اشتراکات نظر فراوانی با آن ائتلاف داریم.

۴ به‌نظرتان بهبود روابط تهران– ریاض چه تأثیری بر چشم‌انداز سیاسی لبنان خواهد گذاشت؟ آیا به این موضوع امیدوار هستید؟

اگر بخواهیم واقع‌بینانه نگاه کنیم تغییرات باید در سیاست خارجی تهران در قبال کشورهای عربی آغاز شود. تهران از نظر ما باید تلاش کند با همسایگانش روابط خوبی داشته باشد. **۴ نظر شما درباره دموکراسی در لبنان چیست؟ بسیاری از سیاست‌مداران لبنانی را مردان کهنسال تشکیل می‌دهند. آیا فکر نمی‌کنید عرصه سیاست لبنان به الیگارشی سیاست‌مداران پیر تبدیل شده و جوانان به حاشیه رانده شده‌اند؟ آیا این معضلی اساسی نیست؟**

بله همین‌طور است. همان‌گونه که ذکر کردم نظام سیاسی لبنان دچار بن‌بستی جدی شده است. هنگامی که دموکراسی واقعی و انتخابات آزاد اعمال شود باید قوانین جدیدی نیز تنظیم شوند و هیچ فرد و نهادی از بیرون مداخله نکند. باید فرصت‌های برابر برای همگان وجود داشته باشد.

ادامه از صفحه ۱۱

نمایشگاه‌هایمان، ربطی به زندگی معاصر ندارد

۴ ما کمتر در نمایشگاه‌ها فضای عمومی و شهری می‌بینیم و بیشتر فضای داخلی خانه‌ها و روابط آدم‌ها در چنین چارچوبی نشان داده می‌شود. برای معاصربودن چرا سراغ فضاهای عمومی رفتید؟

خیلی از واکنش‌های هنرمندان حتماً دلیل خاصی ندارد بلکه یک حس است. در چند ماه گذشته حداقل سه مجموعه کار را از شروع کردم که هریک مبانی فکری خاص خود را دارد اما می‌توانم این‌طور پاسخ دهم که یک‌دفعه این مجموعه گرفت و توجه من را به خودش جلب کرد. زمانی که در مسیر محل کار به خانه هستم، خیلی طولانی است. بیشتر مطالعاتم را در این مسیر انجام می‌دهم که فرصت خوبی برای مطالعه و دیدن است. تمام چیزهایی را که در تابلوهای من می‌بینید در مسیر برگشت خانه‌ام می‌توانید ببینید.

همه این مسائل را ما در روز می‌بینیم اما چون دوربین‌هایمان خاموش است، ثبت نمی‌شود و کم‌کم عادت می‌کنیم. عادت‌کردن تبدیل به اعتیاد می‌شود و اعتیاد یعنی خنثی‌بودن که این، خطرناک است. برای همین است که از سرمایه‌داری در استیتمنت نمایشگاه به عنوان سرمایه‌داری مستبد معتقد اس‌م بردم، چون باز هم با ارائه ی‌ک‌سری ارزش‌ها کار سرمایه‌داری را می‌کند و سود برایش مهم است نه ارزش‌های انسانی. در آثار من ارزش‌ها از انسان به سازه انتقال پیدا کرده است یعنی آدم‌ها خاستری و سیاه و سازه‌ها رنگی و پراپهت هستند درصورتی‌که ما انسان‌ها این سازه‌ها را برای آسایش و آرامش‌مان ایجاد کرده‌ایم اما می‌بینیم آرامش ما را گرفته‌اند.